

بررسی تقابل ناتو و پیمان شانگهای در خلیج فارس
مهدی کردی کلاک^۱ - ماشالله حیدرپور^{۲*} - مهدی جاودانی مقدم^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

چکیده:

ناتو، یکی از مهمترین سازمان‌های بین‌المللی است که پس از جنگ سرد و تحول کارکردی در مأموریت‌های خود، گسترش به شرق را به‌عنوان یکی از اولویت‌هایش تعریف نموده است. در این چارچوب، ناتو در قالب ابتکار همکاری استانبول، تلاش نموده تا در راستای تأمین امنیت انرژی، ایفای نقش در امنیت منطقه و محصور نمودن ایران، حضور خود در خلیج فارس را تحکیم نماید. در این شرایط، تلاش سازمان همکاری شانگهای برای نقش‌آفرینی در مسائل امنیتی، ایجاد محدودیت برای ناتو و کنترل مسیرهای مواصلاتی انرژی در خلیج فارس، تداعی - کننده رویارویی پیمان ورشو با ناتو است. این مقاله تلاش دارد تا به این سؤال اصلی بپردازد که تقابل امنیتی ناتو و شانگهای در خلیج فارس بر مبنای چه رویکرد و علی قابل تحلیل است؟ فرضیه پژوهش، علل اصلی تقابل را در اهداف امنیتی متعارض، تراحم منافع در مسیرهای مواصلاتی انرژی و دیدگاه‌های متفاوت در قبال ایران می‌داند.

واژگان کلیدی: سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو، خلیج فارس، سازمان پیمان همکاری شانگهای، چین، روسیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2010-1575

۱- دانش آموخته دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲- استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛ نویسنده مسئول

mashallah.heidarpour@gmail.com

۳- استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران

مقدمه

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^۱، پس از پایان جنگ سرد، با تحول مفاهیم درون محتوایی و کارکردی خود، بر اساس اسناد و چشم‌اندازهای خود نظیر مفهوم نوین استراتژیک^۲ که به‌عنوان مانیفست عملکرد ناتو پس از فروپاشی شوروی محسوب می‌شود و هرچند سال یک‌بار مورد بازبینی قرار می‌گیرد و به‌روزرسانی می‌شود و برنامه‌ای نظیر مشارکت برای صلح^۳، در نقاط گوناگون دنیا نظیر آسیای مرکزی و قفقاز حضور پیدا نمود و تلاش کرد تا بر اساس ایده ناتوی جهانی^۴، خود را از وضعیت درون آتلانتیکی دوران جنگ سرد که نقطه اتصال دو سوی اقیانوس آتلانتیک در اروپای غربی و آمریکای شمالی به یکدیگر بود، به وضعیت فرا آتلانتیکی و نقش‌آفرینی جهانی در اقصی نقاط دنیا تغییر جایگاه دهد.

بر این اساس، ناتو پس از پایان جنگ سرد، همواره در تلاش بوده است تا با در نظر داشتن یک سری ابعاد و مؤلفه‌ها، نظیر امنیت انرژی غرب و راهیابی به نقاط استراتژیک دنیا نظیر خاورمیانه، به این منطقه دسترسی پیدا نماید. در راستای دستیابی به این هدف، ناتو در سال ۱۹۹۴ و ۲۰۰۴ میلادی، در چارچوب برنامه‌های گفت‌وگوی مدیترانه^۵ و ابتکار همکاری استانبول^۶ با کشورهای خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس وارد فاز همکاری‌های نظامی، دفاعی، امنیتی، آموزشی، لجستیک، ترابری و ... شده است.

اما متقابلاً این گسترش، دارای ابعاد و پیامدهای منفی هم برای ناتو در این منطقه بوده است. مهم‌ترین پیامدی که می‌توان به آن اشاره کرد، حضور موازی سازمان پیمان همکاری شانگهای در خلیج فارس است. پیمان شانگهای از حضور در خلیج فارس به دنبال به چالش کشیدن هژمونی آمریکا در محیط بین‌الملل، تقابل با گسترش بیشتر ناتو به شرق و به دست گرفتن مسیرهای مواصلاتی انرژی منطقه است.

خاصه اینکه باید توجه داشت که تحولات سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان برادر بزرگ‌تر ناتو، به‌صورت کلی دارای تأثیر مستقیم بر تحرکات جهانی ناتو است. همچنین باید به این نکته توجه داشت که آمریکا حامی اصلی نقش‌آفرینی جهانی ناتو، در قالب ایده ناتوی جهانی، براساس مفهوم نوین استراتژیک می‌باشد. بنابراین پر واضح است که حضور ناتو در هر منطقه از

^۱-North Atlantic Treaty Organization (NATO)

^۲-Strategic New Concept

^۳-Partnership for Peace

^۴-The idea of global NATO

^۵-Mediterranean Dialogue

^۶-Istanbul Cooperation Initiative

جهان نظیر خاورمیانه و خلیج فارس، میزان و نحوه آن در ارتباط مستقیم با اهداف مدنظر آمریکا می‌باشد. لذا پیمان شانگهای و به‌خصوص روسیه و چین، با احساس خطر از هژمونی طلبی آمریکا به‌وسیله ناتو، به دنبال افزایش وزن ژئوپلیتیک خود و مقابله با آمریکا و ناتو هستند. از این رو تلاش می‌نمایند در خلیج فارس حضور خود را افزایش دهند.

از این‌رو این پژوهش با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به دنبال بررسی تقابل علل حضور ناتو و پیمان شانگهای در خلیج فارس با یکدیگر می‌باشد. بر این اساس در چارچوب اهداف پژوهش حاضر، ابتدا مبانی نظری منطبق با فرضیه تحقیق در قالب واقع‌گرایی تدافعی مورد بحث قرار گرفته و دلایل حضور ناتو در منطقه خلیج فارس در چارچوب بررسی برنامه‌هایی نظیر ابتکار همکاری استانبول طرح گردیده و نهایتاً حضور و تقابل پیمان شانگهای با ناتو در این منطقه مطالعه و بررسی خواهد شد.

۱- چارچوب نظری

واقع‌گرایی تدافعی از پیش، بر امکان وقوع رقابت یا همکاری انگشت‌نماید نمی‌گذارد. برای واقع‌گرایی تدافعی رقابت نیز همچون همکاری مخاطره‌آمیز است. دولت‌ها نمی‌توانند پیشاپیش از نتیجه یک مسابقه تسلیحاتی یا جنگ مطمئن باشند. چنین رقابتی که امنیت آنها را به مخاطره بی‌اندازد، رها می‌کنند. (TaliaFerro,2000:138)

بنابراین وقوع هرگونه رقابت یا همکاری به ادراک فردی یا جمعی کنشگران از سطح تهدید بستگی دارد. اینکه نیات یا اقدامات یک کنشگر یا گروهی از آنان می‌تواند تعیین‌کننده رقابت-آمیز یا همکاری جویانه بودن قواعد بازی آنان باشد. (Jervis,1998: 986)

بر این اساس اگر کنشگران تلقی تهدیدآمیز از موقعیت یکدیگر داشته باشند، آنگاه بدون توسل به همکاری، بازی را به انگیزه تقلیل هزینه‌های احتمالی پیش می‌برند. (ابراهیمی فر، منوری، ۱۳۹۴: ۲۱) استدلال فوق در خصوص نهادهای امنیتی نیز صادق است. از این منظر عنصر ادراک می‌تواند به‌خوبی دلایل صف‌بندی کنشگران در مقابل یکدیگر را در چارچوب مذکور تبیین نماید، چرا که ادراک تهدید شدیداً روی اتخاذ تصمیم‌بندی به‌عنوان اساس سیاست برقراری توازن تأثیر می‌گذارد. (فالتزگراف، دوئرتی، ۱۳۷۶: ۶۹۵)

در مجموع می‌توان شاخصه‌های موردنظر واقع‌گرایان تدافعی را در موارد زیر خلاصه کرد:

- نظام بین‌الملل همچنان محیطی آنارشیک و فاقد قدرت فائقه مرکزی است.

- امنیت وجودی مهم‌ترین انگیزه دولت‌ها در سیاست بین‌الملل است.

- تصور از تهدیدات موتور محرکه رفتار دولت‌ها در روابط بین‌الملل است.
- ائتلاف‌ها و اتحادها بر اساس تصور از تهدید مشترک شکل می‌گیرند. (سیمبر و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۱)

۱-۱- مفروضات واقع‌گرایی تدافعی

۱- معضله امنیت^۱: منظور از معضله امنیت شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می‌شود. به نظر واقع‌گرایان تدافعی، توسعه‌طلبی همیشه منجر به امنیت نمی‌شود. در واقع، مسئله این است که امنیت مطلق ممکن نیست جز با تبدیل شدن به یک هژمون جهانی و چون احتمال نیل به چنین جایگاهی اندک است و تأسیس دولت جهانی به معنای پایان سیاست بین‌الملل خواهد بود، دولت‌ها همیشه امنیت‌جو خواهند بود و با معضله امنیتی روبه‌رو می‌شوند.

۲- برداشت‌های ذهنی رهبران: تاثیر ساختار ظریف قدرت و توانمندی‌های مادی بر رفتار دولت از طریق تصورات یا برداشت‌های ذهنی رهبران ملی است. آنها معمولاً بر مبنای قیاس-های تاریخی و میانبرهای دیگر ادراکی اطلاعات واصله را پردازش می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. بنابراین این عامل یک متغیر میانی بسیار مهم تلقی می‌شود. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۳-۱۳۴)
جک اسنایدر^۲ و استفن والت مهم‌ترین واقع‌گرایان تدافعی محسوب می‌شوند. تأکید والت بر اهمیت موازنه تهدید^۳ به جای موازنه قدرت^۴ است. تهدید عبارت است از: ترکیب قدرت تهاجمی دولت، توانمندی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی، و نیت تجاوزکارانه احتمالی آن. پس صرف قدرت مهم نیست و سایر عوامل نیز مهم هستند. منظور او این است که آنچه در روابط میان دولت‌ها حائز اهمیت است. برداشت آنها از یکدیگر به‌عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۳-۱۳۴)

بر این اساس اگر کنشگران تلقی تهدیدآمیز از موقعیت یکدیگر داشته باشند، آنگاه بدون توسل به همکاری بازی را به انگیزه تقلیل هزینه‌های احتمالی پیش می‌برند، اما عکس این حالت، اگر کنشگران فاقد تلقی تهدیدآمیز از موقعیت یکدیگر باشند، آنگاه این امکان وجود دارد که کنشگران مذکور به سازوکارهای همکاری جویانه توسل جویند و هزینه‌های احتمالی را سرشکن کرده یا به کلی رفع کنند. (منوری، شریفی، ۱۳۹۶: ۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴)

^۱-Security dilemma

^۲-Jack Snyder

^۳-Threat balance

^۴-Balance of power

۱-۲- ارتباط واقع‌گرایی تدافعی با پژوهش

در خصوص رابطه نظریه واقع‌گرایی ساختاری و نحله تدافعی آن با این پژوهش باید به این نکته اشاره نمود که بعد از پایان جنگ جهانی دوم، این ادراک و تفهیم سیاستمداران غربی و در رأس آنها دولتمردان آمریکایی بود که با احساس خطر از خطر موج کمونیسم شوروی سابق به دنیای سرمایه‌داری، باعث شد که این کشورها و سیاستمداران آنها، اقدام به تأسیس سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نمایند تا این نهاد آتلانتیک‌گرا به‌مثابه یک دژ امنیتی به حفاظت از کشورهای غربی و ارزش‌های آنها ارزش لیبرال دموکراسی و اقتصاد سرمایه‌داری بپردازد.

پس از جنگ سرد و فروپاشی سابق، تهدید شوروی هم به تبع از میان رفتن منشاء آن، پیش‌فرض‌های ذهنی جدیدی در ذهن سردمداران ناتو و به‌خصوص دولتمردان آمریکایی به وجود آمد که به‌طور کلی با جنس تهدید دوران جنگ سرد متفاوت بود. تهدیدات جدید از جنس تهدیدات فرازمانی و فرا مکانی بود که در نگاه رهبران غربی، تداوم حیات ناتو به‌منظور برقراری موازنه با این تهدیدات و مقابله توسط ناتو با آنها بسیار ضروری و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شد.

از این‌رو و با توجه به ایده ناتوی جهانی، ضرورت و مشروعیت این امر برای ناتو کاملاً آشکار بود که برخلاف دوران جنگ سرد که دامنه کارکردی و عملیاتی ناتو محدود به اروپای غربی و دو سوی اقیانوس اطلس بود، ناتو به مناطق دیگری نظیر خاورمیانه گسترش یابد تا ضمن جستجوی شرکای جدیدی به‌غیر از کشورهای اروپایی، با تهدیدات و چالش‌های جدید در همان منشاء جغرافیایی خود یعنی خاورمیانه برخورد نموده و آن را در نطفه ساکت نماید. همچنین نظیر دوران جنگ سرد که ناتو حافظ دنیای غرب در مقابل تهدیدات شوروی بود، باز هم به‌عنوان حافظ منافع غرب، با توجه به سوابق تاریخی پیشین به تأمین امنیت جریان انرژی دنیای غرب بپردازد.

اما از سوی دیگر گسترش ناتو به این منطقه، باعث شده تا چین و روسیه که سردمداران اصلی سازمان پیمان همکاری شانگهای هستند، از این گسترش دچار احساس خطر شده و سعی کنند با این تهدید مقابله نمایند. از سال ۲۰۰۸ میلادی که مقارن با بحران اقتصادی آمریکا بود، قدرت‌های جدیدی در محیط بین‌الملل پدیدار شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به چین و روسیه اشاره نمود.

امروزه چین و روسیه با همکاری یکدیگر در بسیاری از ابعاد و جوانب در حال به چالش کشیدن هژمونی آمریکا هستند که از جمله آنها می‌توان به همکاری اقتصادی در چارچوب گروه بریکس، همکاری‌های نظامی - امنیتی و فن‌آوری اشاره کرد. حضور پیمان شانگهای در خاورمیانه و به‌خصوص خلیج‌فارس را می‌توان در همین چارچوب تحلیل و ارزیابی نمود. از سوی دیگر چین

و روسیه با گسترش پیمان شانگهای به خاورمیانه و خلیج فارس، به دنبال ایجاد شکل‌بندی‌های امنیتی جدید با حضور بازیگرانی نظیر ایران و ترکیه هستند که یا از دیرباز مخالف هژمونی آمریکا و ناتو در منطقه هستند و یا ظرف سال‌های اخیر با آنها دچار زاویه و اختلاف شده‌اند. بنابراین چین و روسیه سعی می‌کنند از این جهت وزن ژئوپلیتیک خود و پیمان شانگهای را در مقابل آمریکا و ناتو افزایش دهند.

۲- اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس از نگاه ناتو

خلیج فارس از دیرباز به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک خود در کانون توجهات بوده است. البته در هر دوره یا مناسبت تاریخی به یک عامل خاص ژئوپلیتیک یا عوامل تاریخی توجه بیشتری شده است. شاید بتوان اثبات کرد که از زمان تسلط شرکت هند شرقی انگلستان بر هندوستان که در آن زمان با مرزهای ایران و افغانستان هم‌جوار بود، اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس دو برابر شده است. انگلستان همواره سعی در نفوذ و تسلط بر سرزمین‌های اطراف خلیج فارس داشت و اجازه نمی‌داد قدرت‌های رقیب بتوانند این آبراه را کنترل کنند و باعث ایجاد خطر برای هند شوند. (Farajirad, 2019)

پس از آن اولین چاه نفت در مسجدسلیمان ایران کشف شد و این امر را برای خارجیان به تصویر کشید که از منابع غنی سرزمین‌های خلیج فارس می‌توانند بهره ببرند و باعث پیشرفت‌های چشمگیری در استفاده از سوخت و پیشرفت فن‌آوری شوند. بنابراین کشف نفت باعث افزایش وزن ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس شد. از طرف دیگر، کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی سابق به سرعت در حال گسترش بود که منجر به گسترش نفوذ شوروی در منطقه به‌ویژه رویکرد استراتژیک آن نسبت به آب‌های جنوب شد. علاوه بر این، قدرت اقتصادی و نظامی انگلیس پس از جنگ جهانی دوم رو به کاهش بود. پس از آن سرمایه‌داری به این نتیجه رسید که آمریکا پس از پیروزی در جنگ باید جایگزین انگلیس شود و از این طریق انگلیس نیروهای خود را از شرق کانال سوئز خارج کرد. (Farajirad, 2019)

۲-۱- فلسفه مفهومی گسترش جهانی ناتو در خلیج فارس

ناتو پس از جنگ سرد همواره در جستجوی شرکای جدید و دسترسی به نقاط استراتژیک دنیا نظیر خاورمیانه است. خاورمیانه به جهات مختلف برای ناتو اهمیت زیادی دارد. برای مثال خاورمیانه از طریق خلیج فارس و دریای عمان دسترسی به آبراه‌های بین‌المللی دارد، محل تلاقی سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا می‌باشد و دارای بزرگ‌ترین منابع انرژی‌های فسیلی دنیا

می‌باشد. همچنین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به واسطه توان مالی بسیار بالایی که دارند، هدف کاملاً جذابی برای قراردادهای همکاری با ناتو هستند. براین اساس ناتو تلاش می‌نماید تا به وسیله دکترین‌های بسا جنگ سردی خود، زمینه‌های نظری گسترش خود به اقصی نقاط دنیا را فراهم نماید. یکی از این دکترین‌ها ایده ناتوی جهانی می‌باشد.

آنچه در کنار تلاش آمریکا برای کاهش تعهدات خود در خاورمیانه، باعث گسترش جهانی ناتو و افزایش حضور در خاورمیانه شده است، تلاش اعضای قدیمی و قدرتمند ناتو، برای گسترش دامنه حضور ناتو در عرصه جهانی شده است.

بر این اساس دولت آمریکا و برخی از کشورهای همفکر آن در ناتو با اشاره به حضور و مشارکت برخی کشورهای غیرعضو ناتو در مأموریت‌های این سازمان از جمله در افغانستان، استدلال می‌کنند که کمک این دسته از کشورها به ارزش‌های مورد حمایت و اهداف ناتو، بعضاً کمک برخی از کشورهای عضو سازمان ناتو بیشتر است. لذا ناتو باید در مرحله جدید از گسترش خود، باید پذیرش این دسته از متحدین را در خارج از حوزه اروپا همانند ژاپن، استرالیا، نیوزلند، کره شمالی و حتی رژیم صهیونیستی را در دستور کار خود قرار دهد. این ایده به‌طور رسمی از سوی آمریکا در نشست سران ناتو در ریگا^۱ (نوامبر ۲۰۰۶) مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

دولت‌های آمریکا و انگلیس در این نشست پیشنهاد کردند که ناتو در گام اول به‌جای شورای مشارکت یورو-آتلانتیک^۲، شورای مشارکت جهانی را با مشارکت متحدین غیراروپایی تشکیل دهد و در گام بعدی درهای خود را به روی این کشورها و هر کشور دموکراتیکی در جهان که مایل و قادر به یاری ناتو در مسئولیت‌های جدید باشند، بگشاید. (بینام، ۱۳۸۶: ۱۴) طرفداران این ایده معتقدند که هدف ناتو، دیگر صرفاً دفاع سرزمینی نیست، بلکه باید با گرد هم آوردن کشورهای دارای ارزش‌ها و علایق مشترک برای مبارزه با مشکلات جهانی به‌عنوان هدف نوین این سازمان دنبال شود. در این صورت دیگر ضرورتی ندارد که ناتو منحصرراً ویژگی آتلانتیکی داشته باشد. بلکه باید روابط با کشورها در ورای جامعه فرا آتلانتیکی را تقویت و قاعده‌مند کند. از سوی دیگر، از آنجا که ناتو در فواصل دور دست در اقصی نقاط جهان، به انجام مأموریت می‌پردازد، لازم است با کشورهای علاقه‌مند گفت‌وگوهای ویژه داشته باشد. (بینام، ۱۳۸۶: ۱۵) البته نباید از نظر دور داشت که ایده ناتوی جهانی قبل از دهه ۲۰۰۰ میلادی و

^۱-Riga

^۲-Euro-Atlantic Partnership Council

در میانه دهه ۱۹۹۰ به صورت غیررسمی به وسیله طرح‌های متنوع ناتو نظیر مشارکت برای صلح به صورت غیررسمی در دست اجرا بود، اما شروع رسمی آن تا نیمه دهه ۲۰۰۰ به تعویق افتاد.

احاله مسئولیت به ناتو دارای پیشینه قبلی می‌باشد. همواره این موضوع مطرح بوده است که مسئولیت تشکیل ساختارهای امنیتی مشترک در خلیج فارس به ناتو واگذار شود. برای مثال می‌توان به مسئولیت ناتو در نیروهای آیساف در افغانستان و یا به مأموریت آموزشی ناتو در افغانستان اشاره نمود. هر دو مأموریت آیساف و عراق می‌تواند برای برخی از جنبه‌های ساختار امنیتی خلیج فارس، مناسب باشد. بر اساس همین مسئولیت پذیرفتن ناتو در عراق بود که آمریکا خروج و تغییر موقعیت خود را در عراق آغاز نمود. (Hunter, 2010: 95)

در واقع، ناتوی جهانی دو اثر مثبت بر جایگاه جهانی آمریکا دارد. از سویی، از شکل‌گیری قدرتی موازنه‌گر در برابر آمریکا جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، آمریکا را به جایگاه هژمونی نزدیک می‌کند. آمریکا، در چارچوب ناتوی جهانی رقیبان و دشمنان استراتژیک خود را در حاشیه و انزوا (مورد روسیه و چین) یا در محاصره (مورد ایران) قرار خواهد داد. بر این پایه، گسترش ناتو در پیشبرد استراتژی پایدار نمودن و ژرفا بخشی به برتری جهانی آمریکا تا رسیدن به هژمونی نقش برجسته‌ای بازی خواهد نمود. (سلیمانی، شجاع، ۱۳۸۹: ۹۷)

از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا تأمین‌کننده اصلی امنیت اروپا به‌ویژه در زمینه حفظ منافع آن در خارج از این قاره به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد که در آینده آمریکا به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی در انجام این وظیفه با مشکل روبرو شود. بنابراین اروپا در انجام وظایف برای حفاظت از منافع خود در داخل و خارج اروپا مسئولیت بیشتری را باید بپذیرد. مجلس سنای آمریکا هنگام تصویب لایحه گسترش ناتو، صراحتاً اعلام داشت که آمریکا نمی‌تواند بیش از این، ناتوانی متحدین اروپایی را در پاسخگویی به تهدیداتی از خارج از این قاره نشأت می‌گیرند تحمل کند. بنابراین اروپا باید به فکر راه‌حلی باشد تا همچنان جهت حفظ امنیت جغرافیایی خود چاره‌ای بیاندیشد، باین حال آمریکا نمی‌توانست نسبت به این قضیه بی-تفاوت باشد. پس بهترین راه، هم‌جهت بودن اهداف آمریکا و ناتوست و تسلط بر مناطق استراتژیک دنیا می‌تواند امنیت اروپا و آمریکا را در خارج از مرزها تأمین کند. در حوزه فرا آتلانتیکی ناتو، منطقه اوراسیا و خاورمیانه جزو مناطق استراتژیک محسوب می‌شود. (مهرعطا، ۱۳۸۳: ۲۴)

۲-۲- پیگیری ایده ناتوی جهانی در خلیج فارس از طریق ابتکار همکاری استانبول

از سوی دیگر در اجلاس سران ۲۰۰۴ استانبول طرحی به تصویب رسید که "ابتکار همکاری

استانبول" خوانده می‌شود و بر پایه آن همکاری‌های آموزشی و همکاری در زمینه‌های گوناگون از برخورد با تروریسم گرفته تا شفافیت بودجه و تصمیم‌گیری در کارهای دفاعی توافق شد. در این طرح مشارکت با کشورهای عضو، شورای همکاری خلیج‌فارس پیشنهاد شده است. کویت، بحرین، قطر و امارات به این برنامه پیوسته‌اند و عربستان و بحرین پیوستن به آن را بررسی می‌کنند. (سلیمانی، شجاع، ۱۳۸۹: ۱۰۱)

برجسته‌ترین توافقی‌ها در چارچوب ابتکار استانبول، در هم شکستن گروه‌های تروریستی بین‌المللی، مبارزه با گسترش جنگ‌افزارهای ویژه نابودی دسته‌جمعی، دادوستد غیرقانونی جنگ‌افزار و همکاری در عملیات صلح ناتو را در برمی‌گیرد. (همان)

به‌طور کلی ابتکار همکاری استانبول، به روی تمام کشورهای علاقه‌مند منطقه که باهدف ابتکار از جمله مبارزه با تروریسم و تکثیر تسلیحات کشتار جمعی موافق‌اند، باز خواهد بود. در چارچوب این ابتکار، شورای آتلانتیک با هر کشور علاقه‌مند براساس جایگاه آن رفتار می‌کند. این ابتکار همچنین رابطه ویژه ناتو با کشورهای شریک گفتگوی مدیترانه را تکمیل می‌کند.

(خادمی، ۱۳۸۷: ۲۵۵-۲۵۴) از سوی دیگر، ناتو بر اساس مفهوم نوین استراتژیک ۲۰۱۰ به دنبال این است تا در عرصه جهانی به ایفای نقش بپردازد. از سال ۲۰۱۲ میلادی تاکنون، ناتو با کشورهای افغانستان و عراق در منطقه خاورمیانه وارد برنامه‌های همکاری شده است. بر همین اساس ناتو در حال حاضر چشم‌انداز جهانی خود را به تصویب رسانده است و بر این باور است که منافع امنیتی اعضای ناتو محدود به مرزهای جغرافیایی خود نیست. (HeinzKamp, 2013)

برای تأکید بر اهمیت خلیج‌فارس برای ناتو، کافیس‌ت به نظریه هالفورد مکیندر^۱ اشاره شود. مکیندر می‌گوید کره زمین دارای یک قلب می‌باشد. منطقه خاورمیانه قلب کره زمین می‌باشد و هر قدرتی که به این منطقه تسلط داشته باشد، کل کره زمین را تحت سلطه خود خواهد داشت. با در نظر داشتن ایده جهانی ناتو و اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خاورمیانه، به‌خوبی می‌توان اهمیت این منطقه برای ناتو را درک نمود.

از سوی دیگر مفهوم نوین استراتژیک که از آن به‌عنوان دکترین تحول کارکردی ناتو در فضای پسا جنگ سرد یاد می‌شود، در واقع مانیفست عملکرد ناتو در دوران جدید می‌باشد. اصلی‌ترین نکته‌ای که مفهوم نوین استراتژیک از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ بر روی آن تکیه داشته است، این است که برخلاف دوران جنگ سرد، ناتو باید آمادگی این را داشته باشد که به هر نوع تهدیدی

^۱-Holford macindre

که امنیت اعضای آن را به مخاطره می‌اندازد، در هر زمان و در هر مکانی پاسخ لازم را ارائه دهند.

۲-۳- تضمین امنیت انرژی

در طی سال‌های اخیر، مباحث مربوط به امنیت انرژی در میان اعضای ناتو به‌ویژه اعضای اروپایی این سازمان نیز مهم تلقی شده است. عامل نگرانی این است که اکثر کشورهای اروپایی به‌شدت به انرژی وارداتی وابسته هستند. اتحادیه اروپا نزدیک به ۵۰ درصد از کل واردات انرژی خود را خارج از مرزهای خود تأمین می‌کند. بر اساس پیش‌بینی‌ها، کشورهای عضو اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۳۰، چهل‌وپنج درصد از نیاز انرژی خود را از خاورمیانه وارد خواهند کرد. بی‌ثباتی خاورمیانه در خاورمیانه، عامل اصلی نگرانی اعضای اروپایی ناتو و آمریکا است. این مسئله مهم باعث شده است که آمریکا نقش ناتو را در تأمین امنیت انرژی مهم بداند. (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

بنابراین اعضای ناتو که همگی مصرف‌کننده نفت هستند، نمی‌توانند به این منطقه بی‌توجه باشند. حضور نظامی ناتو در خاورمیانه و خلیج فارس با نیاز اعضای آن به انرژی پیوند خورده است. بر پایه گزارش گروه پژوهشی مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن، نیاز اعضای ناتو به انرژی خلیج فارس از ۵۰ درصد کنونی به ۸۰ درصد در سال ۲۰۳۵ خواهد رسید. همچنین خطوط انتقال انرژی نیز از مناطقی چون مدیترانه، خلیج فارس تا شرق آسیا می‌گذرد که ناتو خواهان حضور در این مناطق است. در این پهنه عربستان، عراق و پاکستان می‌توانند نقش منطقه‌ای چشمگیر به‌ویژه در زمینه تولید و انتقال انرژی برای اعضای ناتو بازی کنند. (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۶)

انرژی به عنوان اصلی‌ترین هدف و منفعت از مولفه‌های اساسی است که پس از ۱۱ سپتامبر اهمیت آن برای اعضای برجسته ناتو، به جهت برقراری هژمونی در جهان و کنترل سایر رقبا و تضمین صدور انتقال جریان با ثبات نفت، بیشتر شده است. منافع اصلی آمریکا در خلیج فارس که بخش اعظمی از منافع اصلی ناتو را پوشش می‌دهد. در تضمین جریان آزاد و با ثبات نفت از این منطقه به جهان می‌باشد. دلیل اصلی و منافع حیاتی و اساسی بازیگران اصلی نظام سرمایه‌داری در استمرار صدور نفت، این است که اقتصاد جهانی طی ۵۰ سال گذشته به نفت سرشار و ارزان خلیج فارس متکی بوده است و اگر این منبع از دست برود، اقتصاد جهانی دچار فروپاشی خواهد شد. (همان)

بر همین اساس، امنیت انرژی به طور مستقیم به امنیت شهروندان ناتو گره خورده است. اگرچه قبل از شوک‌های دهه ۱۹۷۰، تضمین دسترسی به نفت یک اصل کامل در سیاست اعلامی آمریکا بود، ولی اولین بار در اواخر دهه ۱۹۷۰، آمریکا از مداخله آشکار نظامی برای جلوگیری از سلطه هر قدرت خارجی دیگر برای منابع انرژی منطقه خلیج فارس سخن به میان می‌آورد که بر اساس رهنامه کارتر^۱ در ژانویه ۱۹۸۰، هر تلاشی توسط یک قدرت خارجی (شوروی) برای تسلط بر منابع نفتی خلیج فارس، به منزله تهدید منافع حیاتی آمریکاست و آمریکا از هر ابزار ممکن، استفاده خواهد کرد. (Keukeleire & others, 2009: 62)

همچنین کشورهای حوزه خلیج فارس توان تولید روزانه ۲۹ میلیون بشکه نفت را دارند. موسسه بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده است که تولید نفت در این منطقه در سال ۲۰۲۰ به ۳۵ میلیون بشکه در روز افزایش پیدا خواهد کرد. حدود نیمی از ذخایر جهان نیز در خلیج فارس قرار دارد. به طوری که ایران، قطر، عربستان و امارات متحده عربی به ترتیب دومین تا پنجمین میزان ذخایر گاز دنیا را در اختیار دارند. (کردی، ۱۳۹۵: ۱۳۳)

۲-۴- تلاش ناتو برای محصور کردن ایران

ایران اولین کشوری است که با تقویت پایه‌های اسلامی - سیاسی و تشکیل حکومت اسلامی، غرب را به چالش طلبید. با اشغال افغانستان و عراق، همسایگان شرقی و غربی این کشور، جمهوری اسلامی بیش از هر زمانی خطر حضور ناتو را در مرزهای خود احساس می‌کند. به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک، ایران اکنون در محاصره ناتو قرار دارد. در شمال ایران، کشورهای ارمنستان و آذربایجان عضو طرح مشارکت برای صلح ناتو هستند. در شمال غرب ایران، ترکیه از اعضای دائمی ناتو می‌باشد. نیروهای نظامی آمریکا به‌عنوان برادر بزرگ‌تر ناتو همچنان در عراق حضور دارند. در جنوب ایران بزرگ‌ترین ناوگان نظامی آمریکا در خلیج فارس حضور دارد. در شرق ایران نیروهای حافظ صلح ناتو تحت عنوان آیساف در افغانستان حضور دارند. (دارمی، ۱۳۸۶: ۲۷۳-۲۷۲) این امر به معنای محاصره جغرافیایی ایران از سوی ناتو قلمداد می‌شود. ایران هم با تحولات وسیع منطقه‌ای، حضور نیروهای ناتو و آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را تهدیدی علیه خود تلقی می‌نماید.

در این راستا تهدیدات عمده‌ای که ایران با آن مواجه می‌باشد عبارت‌اند از:

۱- احتمال به‌کارگیری توانمندی‌های ناتو، علیه منافع و امنیت ملی ایران

^۱-Carter Doctrine

- ۲- کم شدن فاصله سرزمینی نیروهای آمریکایی و ناتو با کشورمان
- ۳- کاهش حضور و نفوذ ایران، در کشورهای منطقه و کم شدن قدرت مانور ایران
- ۴- تداوم و تحکیم عملیات اعضای اصلی ناتو، به بهانه‌های مختلف در کنار مرزهای ایران
- ۵- تعیین ساختار امنیت منطقه‌ای بدون مشارکت ایران (همان)

۳- نگاهی کلان به پیمان شانگهای

در یک نگاه کلان می‌توان ریشه‌های سازمان همکاری شانگهای را در دوران پس از جنگ سرد جست که با همکاری روسیه و چین در خصوص ترتیبات امنیتی آغاز شد و کم‌کم در چارچوب همکاری دوجانبه استراتژیک تداوم یافت. تقویت اعتماد دوجانبه و چندجانبه و روابط دوستانه میان کشورهای عضو و ارتقای سطح همکاری در مسائل امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تجاری، علمی، فرهنگی و حوزه‌های آموزشی و همچنین مسائل دیگری از قبل انرژی، ترابری، توریسم، محافظت از محیط‌زیست، حفظ و برقراری صلح و ثبات منطقه‌ای تلاش در راستای تحقق دموکراسی عدالت و نظام نوین سیاسی و اقتصادی بین‌المللی که بر پایه عقلانیت استوار باشد، از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری کشورهای عضو در این سازمان است. چشم‌انداز آتی همکاری شانگهای در سه زمینه امنیتی - سیاسی، نظامی - دفاعی اقتصادی قرار دارد. (پوراحمدی، خوش کار، ۱۳۹۲: ۱۴) از سوی دیگر چین و روسیه به‌عنوان سردمداران اصلی پیمان شانگهای، از روند خرنده گسترش ناتو به شرق این سازمان، احساس خطر می‌کنند. امروزه وضعیت گسترش ناتو در منطقه شرق دنیا به‌گونه‌ای شده که حتی کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی و استرالیا وارد فاز همکاری شده است. همچنین ناتو به سیاست چرخش به شرق آمریکا به‌عنوان محملی برای توسعه حضور خود در شرق آسیا می‌نگرد. این وضعیت به‌هیچ عنوان مطلوب موردنظر روسیه و چین نیست. چرا که هر دو آنها حساسیت‌های خاصی نسبت به این منطقه دارند. خاصه اینکه چین به مسئله تایوان به‌عنوان یک جریان حیاتی می‌نگرد. لذا ترجیح این دو کشور این است که در قالب پیمان شانگهای، در خاورمیانه به مقابله با ناتو بپردازند. خاصه اینکه خاورمیانه برای پیمان شانگهای از جهات خاصی حائز اهمیت است.

۳-۱- تقابل اهداف امنیتی ناتو و شانگهای در خلیج فارس

سازمان همکاری شانگهای یک بلوک امنیتی آسیای میانه به رهبری چین و روسیه توصیف می‌شود که می‌شود یا به‌عنوان وزنه شرقی ضد ناتو در آینده توصیف می‌شود. در اجلاس سالانه پیمان شانگهای که در قزاقستان در سال ۲۰۱۷ برگزار شد، هند و پاکستان به عضویت کامل این پیمان نائل شدند. همچنین در راستای تحولات پیمان شانگهای، عضویت ایران و ترکیه

به‌عنوان یک احتمال فزاینده در نظر گرفته می‌شود. (Danzman Winecoff, 2015) از این رو عضویت ایران می‌تواند عامل مهمی برای عربستان سعودی و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس باشد که درخواست حضور در پیمان همکاری شانگهای را دارند. (Lons and others, 2019)

نفوذ ژئوپلیتیک پیمان شانگهای در حال حاضر چشمگیر است. از دریا‌های چین جنوبی و شرقی چین، تا قطب شمال تا دریای خزر و اروپای شرقی این پیمان دارای موقعیت جغرافیای عظیمی است. پیمان شانگهای منافع خود را از طریق ایران با اقیانوس هند و خلیج فارس گسترش خواهد یافت. قدرت ترکیبی اقتصادی پیمان شانگهای به‌طور قابل توجهی رشد خواهد کرد و گنجاندن ایران و منابع انرژی بین کشورهای عضو پیمان همکاری شانگهای، منافع مسکو و پکن را در آسیا بیشتر تضمین می‌کند.

۲-۳- تراحم راهبرد مدیریت انرژی ناتو و پیمان شانگهای

یکی از مناطق مهم برای سازمان همکاری شانگهای خلیج فارس است. این منطقه منبع اصلی انرژی جهان و آسیا است. کشورهایمانند عربستان، ایران و عراق موقعیت‌های خوبی به‌عنوان تأمین‌کنندگان برتر انرژی برای چین، ژاپن، کره جنوبی و هند به دست آورده‌اند. مطابق نظریه برژینسکی کنترل سرزمین‌های اوراسیا کلیدی برای تسلط جهانی است و کنترل آسیای میانه کلیدی برای کنترل اوراسیا است. رهبران روسیه و چین از زمان شکل‌گیری پیمان شانگهای به این نظریه توجه زیادی کرده‌اند.

۳-۳- تقابل اهداف امنیتی ناتو و پیمان شانگهای

بنابراین عضویت گسترش‌یافته، حاکی از مشروعیت بیشتر پیمان شانگهای است. لذا مزایای بی‌شماری وجود دارد که به اعضای پیمان شانگهای تعلق می‌گیرد. از جمله توسعه یکپارچه زیرساخت‌ها، این سازمان با ۴ کشور ناظر شامل ایران، افغانستان، مغولستان و بلاروس و ۶ شریک گفتگو شامل ارمنستان، آذربایجان، کامبوج، نپال، سریلانکا و ترکیه قرار است با حضور در خلیج فارس، آسیای جنوبی و اقیانوس هند، توازن فعلی معادلات قدرت در منطقه را مختل کند. از سوی دیگر گسترش پیمان شانگهای در زمان افزایش تنش‌ها بین آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه در حال رخ دادن است. این وضعیت به‌عنوان پدیده متقابل ناتو دیده می‌شود.

عضویت گسترده، مشروعیت بیشتری را برای پیمان شانگهای ایجاد می‌کند که مزایای بسیاری را برای اعضای آن به‌ویژه در عرصه امنیتی و اقتصادی به همراه خواهد داشت. تجمع ژئوپلیتیک

پیمان شانگهای در حال حاضر چشمگیر است. همچنین با ادامه روند گسترش، قرار است پیمان شانگهای از یک گروه‌بندی صرفاً منطقه‌ای به یک نهاد جهانی تبدیل شود. اگرچه بعد امنیت همچنان مسئله اصلی است. در نظم نوین جهانی نوظهور، پیمان شانگهای قرار است نقش مهمی در تغییر مرکز ثقل جهانی از غرب به شرق در زمان‌های آینده ایفا کند. اگر این گسترش به خاورمیانه اتفاق بیافتد، به احتمال زیاد باعث ایجاد علاقه بین کشورهای عربی خواهد شد تا نسبت به همکاری با پیمان شانگهای اقدام کنند. واکنش تند واشنگتن به مناقشه فعلی میان شورای همکاری خلیج فارس و قطر، همراه با این تصور که آمریکا از رهبری جهانی در حال انصراف است، به رهبران خاورمیانه و به خصوص خلیج فارس این دلیل را می‌دهد که به عنوان شرکای امنیتی بالقوه به همکاری‌های امنیتی با دنبال قدرت‌های خارجی هرچه بیشتری باشند. (Dwivedi, sm, vsm and bar, 2015)

۳-۴- تفاوت دیدگاه ناتو و پیمان شانگهای در خصوص ایران

سازمان همکاری شانگهای در صدد است تا آنچه را که پیمان ورشو در گذشته برای ناتو به عنوان چالش به وجود آورده بود، مجدداً احیا کند. اگر ایران و ترکمنستان عضو کامل سازمان همکاری شانگهای شوند، این سازمان بیش از ۶۰ درصد از ذخایر نفتی جهان را کنترل می‌کند. علاوه بر این، با عضویت کامل پاکستان، هند و مغولستان خلیج فارس و پایگاه‌های نظامی آمریکا به محاصره پیمان شانگهای درآمده‌اند. از سوی دیگر ترکیه به دنبال عضویت در سازمان شانگهای است. اردوغان همواره بر این نکته تأکید دارد که اگر ترکیه عضو پیمان شانگهای شود، انتقال نفت و گاز طبیعی از دریای خزر و خلیج فارس، دیگر توسط ناتو کنترل نمی‌شود. بلکه در عوض از طرف پیمان شانگهای کنترل می‌شود. آلکسی مالسوف رئیس گروه مطالعات شرقی دانشکده عالی اقتصاد مسکو در این زمینه می‌گوید: در حال حاضر پیمان شانگهای در حال متعادل کردن نقش ناتو در آسیا می‌باشد. (Daly, 2014)

بر این اساس توسعه پیمان شانگهای به طرز مؤثری، راهپیمایی دیرینه ناتو به سمت شرق را خنثی می‌کند. گسترش پیمان شانگهای با اضافه شدن هند و پاکستان و سایر کشورهای اوراسیایی نشان‌دهنده تحقق نظریه قلب زمینه‌ساز می‌کند به عنوان واقعه محوری است که منجر به پایان تسلط جهان تک‌قطبی به رهبری آمریکا و متحدین آن است. همچنین با عضویت احتمالی ایران در پیمان شانگهای اوضاع برای واشنگتن، اتحاد قدرت‌های عربی در خلیج فارس و اسرائیل دشوار می‌شود. در حالی که ایران تحت تحریم‌های سازمان ملل بود، از عضویت کامل

در پیمان شانگهای منع شد. با این حال پس از لغو تحریم‌ها، چین اعلام کرد که ایران در این مسیر است تا بعد از الحاق هند و پاکستان به عضویت کامل درآید.

نتیجه‌گیری

ناتو پس از پایان جنگ سرد، بنا به دلایل گوناگون با حضور پویاتری وارد عرصه جهانی گردید و تلاش نمود تا در این عرصه‌ها به ایفای نقش‌های مهم‌تری نسبت به گذشته بپردازد. یکی از مناطقی که ناتو وارد آن گردیده است، منطقه خاورمیانه بود. ناتو برای ورود بر این منطقه دارای انگیزه‌های متنوعی بود. از جمله انگیزه‌های ناتو برای ورود به خاورمیانه می‌توان به تضمین امنیت انرژی دنیای غرب و مهم‌تر ایجاد محدودیت‌هایی برای ایران بود.

بر این اساس، فاز اول ورود ناتو به خاورمیانه در سال ۱۹۹۴ میلادی و برنامه گفت‌وگوی مدیترانه صورت پذیرفت که در طی آن رژیم صهیونیستی، مراکش، مصر و اردن وارد فاز همکاری با ناتو شدند. مرحله دوم همکاری ناتو با کشورهای خاورمیانه، از سال ۲۰۱۴ و از برنامه ابتکار همکاری استانبول آغاز شد. بر اساس این برنامه، کشورهای حوزه خلیج فارس نظیر کویت، قطر، بحرین و امارات وارد فاز همکاری‌های نظامی، امنیتی، آموزشی و مبارزه با جرائم سایبری با ناتو شدند. اما آنچه باعث افزایش حضور ناتو در خلیج فارس گردید، سیاست جدید تمرکززدایی آمریکا از خاورمیانه بود که در سال ۲۰۱۱ توسط آمریکا اتخاذ گردید.

آمریکا از سال ۲۰۱۱ تاکنون در خاورمیانه به‌مانند دکترین نیکسون، بر اساس سیاست احاله مسئولیت به متحدین منطقه‌ای و بین‌المللی خود حرکت نموده است و تلاش می‌نماید تا به‌منظور کاهش هزینه‌های خود، سیاست خود را از حضور و درگیری مستقیم در خاورمیانه، به سیاست کنترل از راه دور و اعمال حضور نیابتی توسط متحدین خود تبدیل کند. بر این اساس ناتو با استقبال از تمرکززدایی آمریکا از خاورمیانه، بر اساس ایده ناتوی جهانی فضا را برای ایفا نقش هرچه بیشتر در خاورمیانه و خلیج فارس مهیا دید و حضور خود را در این منطقه افزایش داد.

از سوی دیگر مشاهده می‌شود که نه‌تنها آمریکا تمایل به وارد شدن هرچه بیشتر ناتو به خاورمیانه دارد، بلکه خود ناتو هم با توجه به ایده ناتوی جهانی که از حدود دو دهه قبل در دستور کار خود قرار داده است، و تمایل وافر به ورود به مناطق مختلف دنیا نظیر خاورمیانه دارد. ناتو نه‌تنها از سال ۲۰۰۳ به این سو مسئولیت نیروهای آیساف را برعهده گرفته است، بلکه پس از آن با ورود به عراق پس از صدام مسئولیت آموزش و سازمان‌دهی نیروهای مسلح این

کشور را به عهده گرفته است. همچنین ناتو در سال ۲۰۱۱ میلادی با استناد به قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت، به لیبی حمله نموده و رژیم قذافی را ساقط کرد. از سوی دیگر، کشورهای منطقه هم به دلایلی نظیر ترس از گسترش نفوذ ایران، گرایش به حضور ناتو دارند. بنابراین بستر کاملاً مساعدی برای حضور ناتو در منطقه وجود دارد. از همین رو ناتو در سال ۲۰۱۷، بر پایه ابتکار همکاری استانبول، اولین مرکز کنترل و فرماندهی خود در خلیج فارس را در کویت افتتاح نمود. اما از سوی دیگر ماجرا به همین جا منتهی نمی‌شود. خلیج فارس از دیرباز دارای اهمیت ژئوپلیتیک فراوانی بوده است. یکی از دلایل این اهمیت وجود منابع انرژی فراوان در این منطقه و نقطه تلاقی سه قاره دنیا می‌باشد. بنابراین پیمان شانگهای، روسیه و چین به‌عنوان رقبای استراتژیک ناتو و آمریکا با درک اهمیت این منطقه به دنبال ورود به خلیج فارس هستند. هدف آنها از ورود به این منطقه، به دست گرفتن مسیرهای مواصلاتی انرژی، جلوگیری از گسترش بیشتر ناتو به شرق و تغییر مرکزیت نظام جهانی از غرب به شرق می‌باشد.

دلیل دیگری که می‌توان برای تلاش پیمان شانگهای به خلیج فارس متصور بود این است که روسیه و چین از گسترش ناتو به شرق دچار نگرانی هستند. چراکه امروزه ناتو با کشورهای شرق دور نظیر ژاپن، کره جنوبی و استرالیا وارد فاز همکاری شده و این امر از چشم روسیه و چین دور نمانده است. روسیه و چین به‌عنوان دو بازیگر بالقوه حوزه آسیای مرکزی و شرق آسیا دارای حساسیت‌های خاصی نسبت به گسترش ناتو در این منطقه از دنیا هستند. روسیه نسبت به حضور و فعالیت ناتو در کشورهای اقماری سابق خود دارای حساسیت است و چین نسبت به حضور ناتو در شرق آسیا و تحریکات احتمالی آن در مسئله تایوان و استان سین کیانگ دارای حساسیت است. خاصه اینکه ناتو از سیاست چرخش به شرق آمریکا به‌عنوان بستری برای افزایش حضور خود در شرق آسیا استقبال می‌کند.

لذا پیمان شانگهای ترجیح می‌دهد در خلیج فارس با ناتو مقابله نماید. چراکه این منطقه علاوه بر اینکه حائز اهمیت ژئوپلیتیک خاصی است، دارای بازیگر نامتقارن قدرتمندی به نام جمهوری اسلامی ایران است که در زمره رقبای استراتژیک آمریکا و ناتو است. حضور ایران در این نهاد شود و این به معنی در دست گرفتن مسیرهای مواصلاتی انرژی ترکیه به اروپا است.

منابع فارسی

کتاب

- بینام، (۱۳۸۶)، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، کتاب سبز وزارت امور خارجه، دوره معرفی سازمان‌های بین‌المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- جعفری، علی (۱۳۹۳)، ناتو در خاورمیانه و خلیج فارس: منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
- خادمی، غلامرضا (۱۳۸۷)، ناتو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، تهران، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور
- دارمی، سلیمه (۱۳۸۶)، ناتو در قرن بیست و یکم، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
- دوئرتی، ج، رابرت فالتزگراف (۱۳۸۴)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، قومس
- کردی، مهدی (۱۳۹۵)، فرایند گسترش ناتو به شرق رهیافتی نوین از جنگ سرد جدید، تهران، انتشارات فرهیختگان دانشگاه
- محمدی، محمود (۱۳۸۸)، اثر مأموریت‌های جدید ناتو بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت

مقالات

- احدی، افسانه (۱۳۸۷)، تحرکات ناتو در پی اجلاس بخارست، فصلنامه پژوهشنامه سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۱۸
- حسین پوراحمدی، امیر خوش کار (۱۳۹۲)، خاورمیانه و ایران در سپهر مقایسه کارکرد چند-جانبه‌گرایی ناتو و پیمان شانگهای، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال پنجم، شماره ۳۱
- سلطان‌زاده، سجاد (۱۳۸۶)، گسترش روابط ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس زمینه‌ها و پیامدها، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۴۵
- سید علی منوری، محمد محمد شریفی (۱۳۹۶)، واقع‌گرایی تدافعی و منطق موجودیت ناتو پس از یازده سپتامبر، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۴۷

- رضا سیمبر، رضا رحم دل، مهسا فلاح (۱۳۹۵)، معمای امنیتی پرونده هسته‌ای ایران از منظر نوواقع‌گرایی، فصلنامه روابط بین‌الملل، شماره ۲۶
- طاهره ابراهیمی فر، سیدعلی منوری (۱۳۹۵)، بازاندیشی پیرامون نهادهای امنیتی از چشم-انداز نظریه‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۱
- عنایت‌الله یزدانی، احمد جالینوسی، محسن پورکریمی (۱۳۹۴)، دلایل گسترش ناتو به خاورمیانه، مطالعه موردی خلیج فارس، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۳۰
- فرزاد ابراهیمی محمد زاده، محمدرضا ملکی، سید جواد امام جمعه زاده (۱۳۹۵)، سیاست خارجی آمریکا در پرتو راهبرد محور آسیایی دولت اوباما، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۳
- فاطمه سلیمانی، مرتضی شجاع (۱۳۸۹)، آمریکا و گسترش نقش امنیتی ناتو در جهان، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌های ۲۷۱ و ۲۷۲
- مهر عطا، رضا (۱۳۸۳)، شناخت و بررسی اهداف ناتو پس از جنگ سرد، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، شماره ۴۹

English Resources

Article

- Benish Sultan (2013), **US Asia Pivot Strategy: Implications for the Regional State**, Issra, National Defence University, Islamabad
- Jolyon Howth, (2015), **Implications of the US Rebalance toward Asia: European Security and nato**, H, Meijer (ed), origins and Evolution Of the us Rebalance Toward Asia
- James Dobbins Keukeleire, s, & others, (2009), **Europe's Role in Nation-Building: From The Balkans To the Congo** by (Rand corporation pitsburg, 2008). European Foreign Affairs Review, 14 (4)
- Klein, Margarete, (2015), **Perspectives For Nato-Russian Relations forms of Confrontation Dominate- But Dialouge not Excluded**, German For International and Security Affairs
- Talia Ferro Jeffry, (2000), **Security Seeking under Anarchy, Defensive Realism Revisited**, Inter national Security 25 (3)

Site

- Abdolreza Farajirad, (2019), **Changing Geopolitical Dynamics in the Persian Gulf and Broader Ramifications**, <https://thegeopolitics.com>
- Aran center dc, (2019), **will an Anti _ Iran Military Alliance Be formed in 2-019?**, Arab Center dc.org
- CNBC, (2018), **Trump Pushed Nato allies to increace Spending as Share of funding slows**, <http://www.cnbc.com>

- Camille Lons, Jonathan Fulton, Degang Sun, Naser Al-Tamimi, (2019), **CHINA'S GREAT GAME IN THE MIDDLE EAST**, <https://www.ecfr.eu>
- John C.K. Daly, (2014), **Shanghai Cooperation Organization Set to Expand**, <https://www.cacianalyst.org>
- (2-1) **Gulf Business**, (2017), **NATO opens Gulf office in Kuwait**, <http://gulfbusiness.com>
- Karl,Heinz Kamp,(2013), **Nato Needs to follow the U.S. Pivot Asia**, [camegieeurope.eu/ Strategic Europe/ 51314? Lang=en](http://camegieeurope.eu/StrategicEurope/51314?Lang=en)
- North Atlantic Treaty Organization (2016), **Warsaw Summit Communiqué**,4, Available at: <http://www.nato.int>
- Ryan pickrell,(2019), **US Navy Warship Challenged China With a South China Sea Sail_by Operation, and Beijing is furious**, [Task and Purpose.com/ Navy_South_china_Sea_saiby](http://TaskandPurpose.com/Navy_South_china_Sea_saiby)
- Rick Rozoff, (2009), **Nato in the Persian Gulf, From Third World war to the Istanbul Cooperation Initiative**, www.globalreserch.ca
- (2-2)-Sarah Bauerle Danzman, Kindred Winecoff , (2015). **This is why you shouldn't blame China for the havoc in the markets**, <https://www.washingtonpost.com>
- Ted Gover,(2019), **Trump,s Asia Pivot a well_timed move: Jakarta Post Contributor**, <http://www.straitstimes.com>
- Uri Naaman,(2018), **Israel and Nato: History and Progress**, [www.jewish Policy center.org](http://www.jewishPolicycenter.org)
- Zachary keck, (2013), **Turkey Renews Plea to Join Shanghai Cooperation Organization**

Report

- Ferdric Wehrey and Richard Sokolsky, (2015). **Imagining a New Security order in The Persian Gulf**, Carnegie Endowment For Inter national Peace
- Jervis (1998), Realism in the Study of world Politics Culture, **Inter national Security** 19 (4)
- Robert E. Hunter, (2010). **Building Security in the Persian Gulf**,National Security Research Division, www.rand.org.Pdf